

نقد و بررسی کتاب، ماهیت و قلمرو جغرافیا (مجموعه سخنرانیها)

S. Torabi

University of Tabriz

Critique and inquiry of the book of (Nature and Domain of Geography)

The book of (Nature and Domain of Geography) consists of some lecture this critique show some positive and negative points in that book. From points of view of the writer the most important subject is that the geographical research is very important for geographers. The geographers in Iran must be more tried to do research with *Research methods* (the standard method for research), and in the field of some problems that they exist in geography.

Geographical research must be systematic, continuous and more related to each other. Then it leads to that geography is more applied discipline in Iran.

مقدمه

به منظور شناخت بیشتر علم جغرافیا، گروه جغرافیای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها با همکاری گروه جغرافیای معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی میزگرد یک روزه‌ای را در تاریخ ۶۹/۳/۲۰ تحت عنوان ماهیت و قلمرو علم جغرافیا برگزار کرد.

پس از آن مجموعه سخنرانیهای ایراد شده در میزگرد توسط گروه جغرافیای سازمان سمت به صورت کتابی عنوان «ماهیت و قلمرو علم جغرافیا» به چاپ رسید. پس از مطالعه مجموعه سخنرانیهای به چاپ رسیده در آن به نکاتی برخوردیم که مرا بر آن داشت تا در خصوص نقد و بررسی کتاب مذکور مطلبی تهیه نمایم.

این کتاب از این جهت که سخنرانیهای ایراد شده پیرامون بررسی یکی از مهمترین موضوعات جغرافیاست، بسیار سودمند و مفید است. البته در برخی سخنرانیها موارد و نکاتی به چشم می خورد که جای تفکر و تعمق بیشتری دارد. اما سودمندی کتاب بیشتر از این لحاظ است که در واقع بازتاب نظرات ارزشمند گروهی از اساتید و صاحب نظران علم جغرافیا در ایران است. از این رو می توان در متن سخنرانی هر یک از اساتید، شالوده تجربیات، اطلاعات و دانش موجود در این باره را یک جا دریافت و چون به صورت مکتوب در آمده بهتر قابل بحث و بررسی است چرا که امکان باز کردن مطالب و تجزیه و تحلیل اشکالات و موانع کار جغرافی دانان بیشتر می شود. در صفحه ۶، پاراگراف دوم در متن سخنرانی جناب آقای دکتر حافظ نیا در خصوص هدف از تدارک و برگزاری میزگرد یک روزه پیرامون ماهیت و قلمرو جغرافیا می خوانیم:

«علت این که ما این برنامه را تدارک دیدیم این بود که مدتی است در ذهن کنجکاو دانشجویان جغرافیا این مسأله دور می زند موضوع علم جغرافیا چیست و پایه هایی که علم جغرافیا بر آن استوارند کدامند و آیا جغرافیا چیستی و موضوعی دارد که روندی تکاملی و فزاینده ای می تواند داشته باشد.»

سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که اصلاً ماهیت چیست؟ ماهیت در اصل (ماهویت = ماهو + یت مصدری) یعنی آنچه در جواب «ماهو؟» یعنی چیست؟ می آید. مثلاً هرگاه بپرسند در این شیشه چیست؟ و ما بگوییم: سرکه یا نفت یا آب، ماهیت یا چیستی محتوی آن را تعیین کرده ایم. پس ماهیت هر چیز در واقع نوع آن چیز است. حال هر گاه به تعریف نوع پردازیم یعنی بیان کنیم که نفت چیست یا آب چیست؟ در واقع ذات آن چیز به تفصیل بیان می شود. هم نوع و هم تعریف نوع هر دو یک حقیقت را می رسانند یکی به نحو

اجمال و دیگری به نحو تفصیل، هر دو دال بر ماهیت شیء هستند^۱.

حال در پاسخ «ماهیت جغرافیا چیست؟» ابتدا نوع آن را تعیین می‌کنیم. یعنی می‌گوییم جغرافیا علم است و هرگاه آن را به تفصیل بیان کنیم یعنی بگوییم که چه علمی است و چه موضوعی را مطالعه می‌کند آن را تعریف کرده‌ایم. از آن جا که تعریف هر چیز نشان‌دهنده ماهیت آن چیز است، پس می‌توان گفت تعاریفی که از جغرافیا می‌شود، ماهیت آن را نشان می‌دهد. اما به عقیده نگارنده ابهاماتی که ما از جغرافیا داریم ناشی از تعاریف جغرافیا نیست و چنان که می‌دانیم همواره تعاریف متعددی از سوی محققان و صاحب‌نظران جغرافیا ارائه شده است.

از طرفی ملاحظه می‌شود در سخنرانیهای ایراد شده که می‌بایست موضوع اصلی آن را ماهیت و قلمرو جغرافیا تشکیل دهد، هر یک از اساتید به نحوی به مسایل و موضوعاتی اشاره کرده‌اند که یا در ارتباط با روش تحقیق بوده و یا به مشکلات بررسیها و تحقیقات جغرافیایی اشاره شده است و یا موضوع اصلی سخنرانی راجع به روشهای مورد استفاده برای تحقیقات جغرافیایی بوده است چنان که از ابتدای صفحه ۲۱ در متن سخنرانی جناب آقای دکتر شکویی سراسر به همین موضوع پرداخته شده است.

استاد محترم جناب آقای دکتر شکویی ابتدای مطالب خود را با معرفی یکی از جغرافیدانان نامی آغاز نموده‌اند و ایشان را بنیان‌گذار مکتب علم فضایی در جغرافیا معرفی کرده‌اند و با ارایه تاریخچه مختصری از زندگی «شیفر^۲» به افکار و زمینه نظریات و تفکرات شیفر اشاره کرده و در صفحه ۲۳ با عنوان «مباحث شیفر و هارتشورن^۳» توضیحات بسیار ارزشمندی در خصوص پاره‌ای از مطالب مربوط به روش تحقیق در جغرافیا ارائه نموده‌اند.

بطور خلاصه یکی از عمده‌ترین مسایل ما در حال حاضر وجود این نگرش است که روش تحقیق در جغرافیا با سایر علوم متفاوت است و همین تفکر موجب جدا کردن مطالعات جغرافیایی از روش تحقیق علمی و عدم به‌کارگیری روشهای کمی در تحقیقات جغرافیایی شده

۱- محمد خوانساری، دوره مختصر منطق صوری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳، ص ۶۳-۶۲.

است و موضوعی هم که استاد محترم در باره استثنانگرایی عنوان کرده‌اند به این مسأله برمی‌گردد. یعنی هارتشورن معتقد به اصل استثنانگرایی در روش تحقیق بوده به این معنا که جغرافیا نمی‌تواند در روش‌شناسی با سایر علوم سهیم شود اما شیفر، بنیانگذار مکتب علم فضایی به چنین استثنانگرایی شدیداً می‌تازد و جغرافیا را به عنوان علمی فضایی می‌شناسد که تابع قوانین کلی طبیعت است و به وسیله آن می‌توان قوانین مورفولوژیک را درباره الگوهای فضایی تهیه کرد و در پایان صفحه ۲۵ اشاره کرده‌اند که:

«اساس منطقی علم فضایی را تفکرات فلسفی - پوزتیویستی بزرگان مکتب وین نظیر لودویگ وینگشتاین ... سازمان داده است.»

بطوری که ملاحظه می‌شود مکتب علم فضایی تفکر و دیدگاه نوینی را در مطالعات جغرافیایی از لحاظ روش به وجود آورده است. مثلاً پیروان عقاید هارتشورن معتقدند که جغرافیا نمی‌تواند در روش‌شناسی با سایر علوم سهیم شود بنابراین نسبت به موافقان عقاید شیفر روشهای محدودتری داشته‌اند.

چنان که استاد محترم نیز در صفحه ۲۶ پاراگراف دوم اشاره کرده‌اند طرفداران عقاید هارتشورن بتدریج پی بردند که مطالعه جامعه، بی‌نهایت پیچیده‌تر از آن است که کسی بخواهد داده‌هایی را که از راه مشاهده به دست آورده در ساختار فکری انسان بگنجانند. گنجاندن داده‌های به دست آمده از طریق مشاهده در یک ساختار فکری کلی و عام در علوم طبیعی با موفقیت همراه بود و اثبات‌گرایان (یا طرفداران مکتب فلسفی پوزتیوسم منطقی که در حقیقت طرفداران مکتب علم فضایی و شیفر بنیانگذار آن می‌باشند) آن را در علوم انسانی نیز روا می‌دانستند. پس از آن این تفکر آنچنان قوت گرفت که دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و دوره اوج مکتب فضایی، «دوره جبر هندسی در جغرافیا» نام گرفت. در پاراگراف سوم همان صفحه می‌خوانیم:

«از سال ۱۹۸۵ به بعد و بویژه در چند سال اخیر، جغرافیدانان برجسته و تأثیرگذار در جهان اعتبار علمی و جهان شمول مکتب علم فضایی را زیر سؤال بردند و این عده با تکیه بر اقتصاد سیاسی مکتب جدیدی را در جغرافیا بنیان نهادند.»

بی‌تردید می‌توان گفت که از این پس مطالعات و تحقیقات انجام شده در این کشورها که در

پاراگراف آخر صفحه ۲۶ نام آنها آورده شده است، تحت تأثیر این مکتب جدید قرار گرفته و تفاوت‌های بنیادی با تحقیقات قبلی خواهند داشت. چنین به نظر می‌رسد که دیدگاهها و مکاتب مختلف که دارای اهداف ویژه‌ای هستند، برای رسیدن به هدفهای بنیادی خود و در مطالعاتشان روش‌های خاصی دارند. اما چنان که دکتر آدهیکاری^۴ در کتاب خود به سیر تاریخی تفکرات و نظریات جغرافیایی اشاره می‌کند آغاز توسعه و تکامل تفکرات و نظریات در سالهای ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ و در کشورهای آلمان، فرانسه، بریتانیای کبیر، اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده بوده است.^۵ بنابراین منشأ این تفکرات در خارج از ایران بوده و بر اساس اهداف ملی همان کشورها به وجود آمده، رشد یافته و در هر دوره متناسب با اندیشه‌های روز در معرض تغییر و تحول قرار گرفته تا به شکل کنونی در آمده است. اما از آن جا که دانشگاههای ایران فاقد پیشینه لازم بوده و در طول جریان تاریخ تکامل مدارس و نظام آموزشی در ایران به وجود نیامده‌اند بنابراین تاکنون هر آنچه وجود داشته تنها ورود فرهنگ آموزشی و تحولاتی بوده که منشأ آنها در خارج از ایران بوده است.^۶

بدین ترتیب با توجه به دیدگاهها و نظریات جغرافیایی موجود لازم است اهداف جغرافیا در ایران را برای خودمان تعریف و مشخص کنیم که با توجه به تعاریفی که از این علم می‌شود، هدف ما از مطالعات جغرافیایی در ایران چیست و چه باید باشد؟ در باره سخنرانی استاد محترم سؤالاتی به ذهن می‌رسد از جمله این که: در حال حاضر بر تحقیقات جغرافیایی ما در ایران چه دیدگاه و چه مکتبی حاکم است؟ اندیشه و روح حاکم بر تحقیقات جغرافیایی ما در ایران تاکنون متأثر از چه دیدگاههایی بوده است؟ کدام دیدگاهها می‌توانند جغرافیا را در جهت یاری رساندن به اهداف ملی و توسعه منطقی این علم یاری دهند؟

پاسخ دادن به برخی از این سؤالاها برای ما در ایران نیز بسیاری از نقاط تیره و مبهم را معلوم

4-Adhikari

5-Adhikari.Sudecepta A, *Fundamentals of Geographical Thought*, Chaitan publishing house & road, Allahabad - 2 (India), 1992, p.24 .

۶-رضا منصوری، «نقش نهاد دانشگاه در جامعه نوین»، فصلنامه رهیافت، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۴، ص ۵۷-۵۰.

ساخته و راهروشتتری را فرارویمان قرار خواهد داد. زیرا با پذیرفتن نوعی فلسفه و بنیاد صحیح در تحقیقات جغرافیایی ناگزیر لازم است روشها و جهت‌گیریهای خاصی در تحقیقات خود داشته باشیم. در صفحه ۴۴ پاراگراف دوم آقای دکتر جمالی با اشاره به نظر «دیوید هاروی» راجع به پذیرش یک دیدگاه و فلسفه جغرافیایی بخوبی اشاره کرده‌اند که:

«زمینه‌هایی که ما نهایتاً اهداف خود را بر روی آنها قرار می‌دهیم مربوط به عقاید مابند و ارزش‌هایی که برای ما مطرح هستند مستقل از جامعه‌ای که در آن کار و زندگی می‌کنیم نیستند و این ارزش‌ها هستند که موجب می‌شوند ما به اهدافی رهنمون شویم که به عقیده ما ارزش پژوهش را دارند. پس با در نظر گرفتن معیارها و ارزشهای خود ممکن است مسایل مختلفی را برای مطالعه مفید بدانیم.»

در متن سخنرانی آقای دکتر حافظ‌نیا، در صفحه ۷ پاراگراف دوم، می‌خوانیم:

«این سوال مطرح است که اگر در علم جغرافیا از چهارچوب ساختار طبیعی زمین بحث می‌شود، پس در علوم طبیعی در چه حوزه‌ای بحث می‌شود؟ تحقیقات در این علوم بسیار عمیق‌تر و بهتر است. در هواشناسی، اقلیم‌شناسی و ... ما می‌دانیم که حتی بهتر از ما جغرافیدانها مطلب دارند.»

در این جا مطالبی که آقای دکتر حافظ‌نیا به آنها اشاره کرده‌اند مربوط به ضعف جغرافیدانان در مورد فرضیه‌سازی، بیان فرضیه و آزمون فرضیه، تدوین تئوری، بسط تئوریا و مدل‌سازی و کاربرد مدل‌سازی می‌باشد. زیرا کار جغرافیدانها تاکنون این بوده که از قوانین سایر علوم استفاده کنند در صورتی که پس از جمع‌آوری مشاهدات، در چهارچوب تئوریهای جغرافیایی باید در مورد بیان فرضیه و پس از آن آزمون فرضیه اقدام کنند و در صورتی که فرضیه‌ای را در تحقیقات خود بطور مکرر مورد آزمون قرار دادند و تأیید شد از آن به عنوان نظریه‌ای جدید استفاده کنند و چنانچه آن نظریه جهان شمول شد و در همه جا مصداق یافت آنگاه آن را به عنوان قانون کلی بپذیرند. بنابراین رشته‌های دیگر که گفته می‌شود مطلب دارند به این دلیل است که کارهای تحقیقاتی بسیاری انجام می‌دهند و در هر تحقیق فرضیه‌ای را بسادگی می‌آزمایند و با هر تحقیق دانشی نو به دانش قبلی می‌افزایند.

ماریو بونجی^۷ در این مورد می‌نویسد: «علی‌رغم اینکه جغرافیا از ابتدا با فراهم آوردن

اطلاعات توزیع مکانی پدیده‌ها بتدریج موجب تفکر انسان راجع به موضوعاتی نظیر علوم - اجتماعی و زمین‌شناسی گردیده است و این علوم بدنبال جغرافیا پدید آمده‌اند، اما تا زمانی که جغرافیدانها نتوانند مشاهدات خود را در قالب فرضیه بیان کنند و سپس آنها را آزمون کنند این علم یک رشته علمی نخواهد بود زیرا تا تئوری نباشد علم نیز نخواهد بود»^۸.

البته ذکر این نکته لازم است که بانجی این مطالب را قبل از وقوع انقلاب کمی^۹ در جغرافیا و زمانی بیان کرده است که کاربرد روشهای ریاضی و آمار بسیار رایج نشده بود. اما امروزه در کشورهای اروپایی و ایالات متحده این روشها کاملاً مورد استفاده می‌باشند.

در صفحه ۴۵، پاراگراف دوم استاد محترم آقای دکتر جمالی به نظریه «تحرک انتقالی» ویلبر زلینسکی اشاره کرده‌اند. نکته‌ای که در این جا قابل نقد است این است که با توجه به آنچه که استاد محترم در پاورقی آورده‌اند «تحرک انتقالی» هنوز یک فرضیه است، و چنان که می‌دانیم اگر این فرضیه در زمانها و مکانهای مختلف و در تحقیقات متعدد آزمایش شده و نتیجه‌ای که زلینسکی در فرضیه‌اش پیش‌بینی کرده همواره به همان شکل تأیید شود آنگاه این فرضیه به یک نظریه تبدیل خواهد شد و این نظریه مورد تأیید خواهد بود تا زمانی که فرضیه دیگری بتواند خلاف آن را نشان دهد^{۱۰}. در مورد آزمون نظریه‌های رایج و اهمیت آنها دکتر حسین زاده دلیر در صفحه ۶۸ اشاره‌ای مختصر دارند در سطر ۷ این صفحه می‌خوانیم:

«جغرافیای پیشرو و نوین آن بخش از این علم است که در طرحهای عمرانی و برنامه‌های توسعه، شرکتی فعال داشته ضمن آزمون نظریه‌های رایج، در عمل در عرضه، پیشبرد و تکوین نظریات جدید جغرافیایی مؤثر باشد.»
چون هدف از نگارش این مقاله، نقد و بررسی سخنرانیها بوده لذا فقط در این جا به چند منبع که مطالب بسیار سودمندی راجع به فرضیه، بیان فرض، آزمون فرض، تدوین تئوری و به وجود آمدن قوانین جغرافیایی دارند اشاره می‌کنیم^{۱۱} و راجع به اهمیت مدل‌سازی و نحوه

8-Amedo. Daglas & Goledge. Reiald G, *Introduction to Scientific Reasoning In Geography*, John Wiley

& Sons, Inc, 1975, p.2.

9- Quantitative Revolution

۱۰-استاد محترم در پاورقی آورده‌اند: (The hypothesis of the mobility transition)

11-Bruce.Mitchel, *Major Thems In Geographical Research: Geography and Resource Analysis*, second →

مدلسازی^{۱۲} مطالب مفصلی وجود دارد.

تا اینجا بحث بطور کلی نتیجه می‌گیریم که خواسته و ناخواسته ماهیت علم جغرافیا و تعاریف جغرافیا به نحوی با مطالعات و تحقیقات علمی جغرافیایی مرتبط است و از سوی دیگر مطالعات و تحقیقات علمی نیز متأثر از مکاتب و نظریه‌های فلسفی هر دوره می‌باشد. پس ماهیت جغرافیا (یعنی مکان) که سرشت و خمیرمایه همه مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهد از ابتدا تا کنون ثابت بوده و علم جغرافیا دارای موضوعهایی است که در رابطه با مکان تحلیل و بررسی می‌شوند و نظریه‌ها و مکتبهای فلسفی موجب شده‌اند که موضوعهای جغرافیایی در هر دوره هدف خاصی را دنبال کنند در واقع آنچه که تغییر می‌یابد هدف تحقیقات و بررسیهای جغرافیایی است.

درباره تأثیر نظریات و عقاید بر علوم و از جمله جغرافیا و راجع به ثابت بودن ماهیت جغرافیا، استاد محترم آقای دکتر کریمی پور مطالب روشنی در سخنرانی خود در صفحات ۸۱ تا ۸۵ بیان کرده‌اند (اگرچه ایشان هیچ گونه منبعی برای سخنان خود ارائه نکرده‌اند).

بر می‌گردیم به مسأله قلمرو جغرافیا یا بهتر بگوییم قلمرو مطالعات جغرافیایی زیرا هدف از تعیین قلمرو این است که محدوده مطالعات جغرافیایی را تعریف و مشخص کنیم. در متن سخنرانیهما نیز تا حدودی به این مسأله پرداخته شده است. اما مطالب سخنرانیهما به سؤالات زیر در خصوص قلمرو جغرافیا پاسخهای صحیح و روشنی نداده است:

^{۱۲}Edition, Longman, 1989, p.23-25 .

- Amedo. Daglas & Goledge. Reiald G, *Introduction to Scientific Reasoning In Geography*, John Wiley & Sons, Inc, 1975, p.22-74.

- Wilson.A.G, *Geography and the Environments, System Analytical Methods*, John Wiley & Sons, 1981, p.5-7.

حسین شکویی، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم،

مشهد، ۱۳۶۸، ص ۹۲-۸۷.

۱۲-البویه دولفوس، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱ تا آخر.

- Wilson.A.G, op.cit, 89-108.

- ۱- قلمرو مطالعات جغرافیایی را (به‌خصوص در ایران) چه چیز تعیین می‌کند؟
 - ۲- چگونه می‌توان قلمرو موضوعات و مطالعات جغرافیایی را بطور صحیح گسترش داد؟
 - ۳- چرا با همه گستردگی که این رشته علمی دارد بسیار محدود، غیرپویا و تا حدودی غیرکاربردی شناخته می‌شود؟
 - ۴- آیا محدود شدن قلمرو، به ماهیت پیچیده و ترکیبی این رشته مربوط می‌باشد یا به عدم استفاده از روشهای صحیح تحقیقاتی؟
- در مورد سؤال اول، پاسخ این است که تعریف مشخص و روشنی از جغرافیا که بوضوح هدف مطالعات جغرافیایی را نشان دهد، برای تحقق اهداف توسعه کشور، داشتن سیاستهای اجرایی پژوهشی مدون و هدایت تحقیقات به سوی الویتهایی که ناشی از نیازهاست لازم و ضروری است. به همین منظور شورای پژوهشهای علمی کشور تعیین الویتهای تحقیقاتی کشور را در رشته‌های مختلف و از جمله جغرافیا انجام داده است.^{۱۳}
- در متن سخنرانیها هر یک از اساتید محترم علتهایی را برای غیرپویا بودن و محصور بودن جغرافیا بر شمرده‌اند اما به عقیده نگارنده می‌توان علت اصلی را در کیفیت و قالب غیرعلمی تحقیقات و پژوهشهای جغرافیدانان نیز جستجو کرد.
- کار تولید دانش جدید همواره بر عهده تحقیقات است. (اگرچه در خارج از کشور تحقیقات جغرافیایی بسیار زیادی انجام می‌شود اما چنان که می‌دانیم چون این تحقیقات ارتباط کمتری با نیازهای داخلی دارند به همین دلیل تاکنون این تحقیقات نتوانسته است نقشی در گسترش قلمرو مطالعات داخلی داشته باشد. در حال حاضر حتی معتبرترین مقالات علمی خارجی نتوانسته کاربرد یی بودن این رشته را به خوبی نشان داده و موجب پویایی آن در ایران شود). همچنان که گفته شد تولید دانش جدید از طریق انجام تحقیقات علمی تحقق می‌یابد. تحقیق علمی خود باید دارای ویژگیهای خاصی باشد تا قادر باشد آن رشته علمی را پویا و کاربردی کند از جمله این که تحقیق علمی اساساً به کوششی سازمان یافته، هدفدار، منظم و مستمر اطلاق می‌شود که به دنبال هدفهای کلان کشوری هدفدار گردیده و به همین طریق

۱۳- شورای پژوهشهای علمی کشور، الویتهای تحقیقاتی کشور، تیرماه ۱۳۷۳، ص ۷.

کاربردی بودن خود را تضمین می‌کند.^{۱۴}

بروک میشل^{۱۵} به نقل از دیویس در این باره می‌نویسد:

«کار ما می‌تواند بهترین خدمات را به دیگران ارائه دهد اگر آن را طوری انجام دهیم که در رابطه با یک هدف کلی باشد... اگر کارهای تحقیقاتی خودمان را به گونه‌ای در معرض قضاوت دیگران قرار دهیم که نظم و ترتیب خاصی را دنبال کرده باشند و در جهت رسیدن به یک هدف کلی باشند بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود، ضمن اینکه باعث می‌شود تا در توالی منظم تحقیقات، جاهایی که وقفه وجود دارد و یا کار نشده است پیدا شوند»^{۱۶}.

چگونه می‌توان انتظار داشت با روالی که تا کنون در پیش داشته‌ایم قلمرو مطالعات جغرافیایی بطور صحیح بسط داده شده و جغرافیا را پویا، متحول و کاربردی نموده باشیم. مثالی که در این خصوص برای توضیح بیشتر می‌توان به آن اشاره کرد صفحه ۴۶ پاراگراف سوم متن سخنرانی آقای دکتر جمالی است. ایشان اشاره می‌کنند که «در کشوری نظیر انگلستان به قدری موضوعات جغرافیایی وسعت یافته‌اند که امروزه موضوعاتی چون «جغرافیای ترس زنان» مورد بحث و بررسی است». همانطور که ملاحظه می‌شود ممکن است موضوع این مقاله برای ما بسیار دور از ذهن و برای جامعه ما تا حدودی فاقد ارزش مستقیم باشد زیرا در راستای هدفها و نیازهای ما نیست ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر آنها نیز تحقیقات منظم و مستمری نمی‌داشتند اکنون به چنین موضوعاتی نمی‌پرداختند.

پس نتیجه می‌گیریم که هیچگاه رشته‌های علمی دیگر مستقیماً خواهان محدود نمودن قلمرو مطالعات جغرافیایی نیستند بلکه عدم انجام تحقیقات علمی صحیح عملاً این رشته را بلا استفاده نموده و غیر کاربردی نشان داده است. چنانکه در متن سخنرانی آقای دکتر حافظ‌نیا به

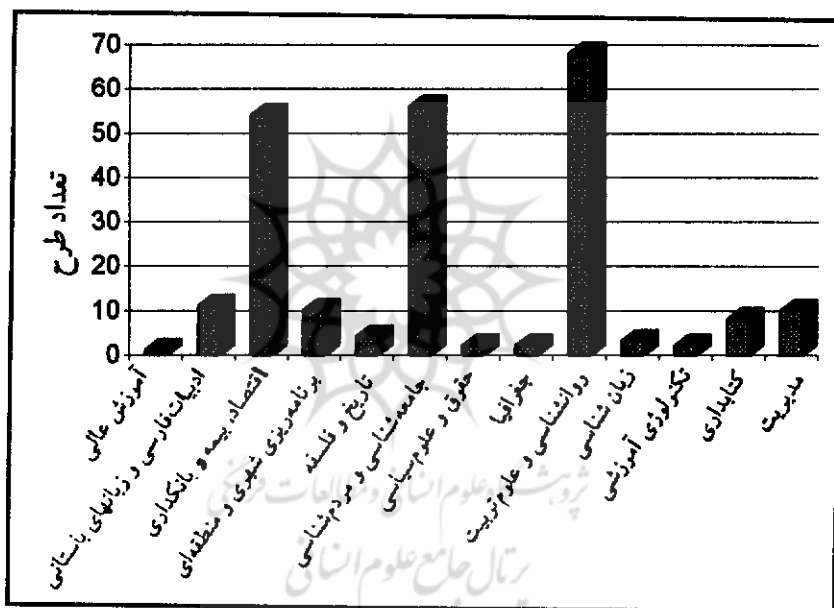
۱۴- جان بست، روشهای تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، انتشارات رشد، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۷، ص ۳۸-۳۶.

- عزت اله نادری و مریم سیف نراقی، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، انتشارات بدر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸، ص ۴۲-۴۰.

این موارد بر می‌خوریم و یا مواردی که استاد ارجمند جناب آقای دکتر گنجی در صفحه ۱۹ به آن اشاره نموده‌اند مبنی بر این که:

«قسمت عمده‌ای از آنچه که به ظاهر به کم‌کاربرد جغرافیا مربوط می‌شود، نتیجه طبیعت علم جغرافیا و وسعت بسیار آن در سالهای اخیر است.»

بطور مثال، طبق آمار و اطلاعات موجود در مرکز اطلاعات و اسناد علمی ایران در سال ۷۴، از تعداد کل ۲۳۱ تحقیق علوم انسانی، سهم جغرافیا تنها ۰/۸۶٪ از کل تحقیقات را شامل می‌شده است.^{۱۷}



نمودار شماره ۱: تعداد طرحهای پژوهشی گروه علوم انسانی در سال ۱۳۷۴

در صفحه ۶۰، پاراگراف دوم جناب آقای دکتر ضیاء توانا ضمن برشمردن نکات بسیار مهم اشاره کرده‌اند که مبانی تئوریک و فلسفی در میان جغرافیدانان ایران قوی نیست. ذکر این

۱۷- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، «چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاهها و

نکته لازم است که در جغرافیا اگر در برخی منابع و کتابها به فلسفه و نظریات موجود پرداخته شده هیچگاه اشاره‌ای به کاربرد و نحوه استفاده از این تئوریا و مبانی فلسفی نشده است.

جدول شماره ۱: تعداد طرحهای پژوهشی گروه علوم انسانی در سال ۷۴

درصد	تعداد	رشته‌های مختلف گروه علوم انسانی	درصد	تعداد	رشته‌های مختلف گروه علوم انسانی
۰/۸۶	۲	جغرافیا	۰/۴۴	۱	آموزش عالی
۲۹/۴۴	۶۸	روانشناسی و علوم تربیتی	۴/۷۷	۱۱	ادبیات فارسی و فرهنگ و زبانهای بامستانی
۱/۲۹	۳	زبان شناسی	۲۳/۳۷	۵۴	اقتصاد، بیمه و بانکداری
۰/۸۶	۲	تکنولوژی آموزشی	۴/۳۳	۱۰	برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای
۳/۴۷	۸	کتابداری	۱/۷۴	۴	تاریخ و فلسفه
۴/۳۳	۱۰	مدیریت	۲۴/۲۴	۵۶	جامعه‌شناسی و مردم شناسی
۱۰۰	۲۴۱	جمع کل	۰/۸۶	۲	حقوق و علوم سیاسی

چنان‌که قبلاً اشاره شد باید این مبانی تئوریک و نظریات همگام با تحقیقات جغرافیایی به کار گرفته شده و آزمایش شوند. مسأله‌ای که استاد محترم نیز اشاره کرده‌اند نشان می‌دهد که تحقیقات جغرافیایی تا چه حد خارج از معیارها و اصول علمی صورت گرفته و تا چه حد پراکنده و بی‌هدف هستند، بطوری که برای دانشجویان جغرافیا این سؤال پیش می‌آید که اصلاً این تئوریا و نظریات چه کاربردی دارند؟ همچنین ایشان اشاره کرده‌اند که:

«ضعف در زمینه بکارگیری این دانش در رفع مسایل و مشکلات جامعه موجب غیر پویا شدن و غیر

کاربردی شدن این رشته علمی شده است.»

ولی سؤال نگارنده از استاد محترم این است که ضعف در به کارگیری چه دانشی؟ کدام تحقیقات علمی و کاربردی سودمندی در این دانش صورت گرفته که می‌توانسته موجب رشد منطقی و علمی جغرافیا شده باشد ولی صورت نگرفته؟ دانشی که حتی نمی‌تواند خود را توسعه دهد چگونه می‌تواند در جاهای دیگر به کار گرفته شود. چنانکه دکتر حسین‌زاده دلیر در صفحه ۶۵، پاراگراف ۴ به گونه‌ای مستدل به همین موضوع اشاره کرده است:

در یکی از بندهای قطعنامه نخستین کنگره جغرافیدانان ایران در سال ۱۳۵۲، جغرافیدانان خواستار این بوده‌اند که بطور کلی باید در انجام طرح‌های عمرانی و برنامه‌های منطقه‌ای از مشورت متخصصان جغرافیایی استفاده نموده... برای دستگاههای اجرایی کشور فراهم شود.

و نیز: «جامعه جغرافیایی کشور در این کنگره و در کنگره‌های بعدی هیچ از خود سؤال نکرد که تسخیر مراکز علمی و اجرایی و تحقیقی مربوط به مسایل جغرافیا آیا با درخواست و خواهش عملی است؟ آیا قدرت تکنیکی و کارکردی یک رشته علمی نیست که تعیین کننده است؟»

در صفحه ۷۴ پاراگراف دوم استاد محترم آقای سلیمانی به نکاتی مهم و دقیقی در مورد گزینشی بودن روش علمی و این که علم جنبه یا گونه خاصی از پدیده‌ها را مورد شناسایی قرار دهد و کلی‌گرایی روش علمی نیست اشاره کرده‌اند. بطوری که ملاحظه می‌کنید ایشان نیز به این مشکل که ما روش صحیحی در مطالعاتمان به کار نمی‌بریم اشاره کرده‌اند و مسایل عمده و مشکلاتی که برشمرده‌اند بخوبی با پرداختن جدی به تحقیق علمی قابل حل و بررسی است. در تحقیق علمی همه جوانب بخوبی پیش‌بینی می‌شود و جغرافیدان بر پایه یکی از نظریات جغرافیایی قادر خواهد بود با تعریف درستی از متغیرهای مورد مطالعه، داده‌های لازم را برای تحقیقش فراهم کرده، و سپس آنها را تجزیه و تحلیل کند. در صفحه ۷۹ می‌خوانیم:

«این وضع برای جغرافیدانان مشکلات نظری و عملی عدیده‌ای به وجود آورده است. در بعد نظری جغرافیابا مشکل بنیانگذاری اصول و فقر نظریه و مفاهیم نظری مواجه است و در بعد عملی با بن‌بستهای روش‌شناسی».

یکی از انواع تحقیقات علمی «تحقیقات روش‌شناسی» است که مربوط به علم بخصوصی نمی‌شود و هر یک از علوم که در بررسی مسایلشان با مشکلاتی در خصوص بکار بردن روشها و ابزارهای مورد نیاز دچار اشکال می‌شوند دست به انجام این گونه تحقیقات می‌زنند که البته آن هم با طی مراحل ویژه و دقیقی صورت می‌گیرد. در واقع مطالعات روش‌شناسی از مطالعاتی هستند که بسط، آزمون و ارزشیابی ابزارها و روشهای تحقیق را در برمی‌گیرند.^{۱۸}

۱۸- رزماری نیز و یادومی، پایه‌های تحقیق در پرستاری، ترجمه محسن توکل، سیما ترابی، تهران نشر بشری، ۱۳۷۳،

اما نکته این جاست که ما بطور صحیح از روشهای موجود استفاده نکرده‌ایم که در ادامه کار به روشهای خاص و دقیقی نیاز داشته باشیم و آنگاه در روش شناسی با بن بست مواجه شویم. در صفحه ۵۰ در متن سخنرانی استاد محترم آقای دکتر علیجانی به مطالب مهمی برمی‌خوریم در خصوص این که علم جغرافیا چه وظیفه‌ای را بر عهده دارد و به چه نوع سؤالهایی جواب می‌دهد؟ پاسخ ایشان این است که همانند دیگر رشته‌ها که هر یک به موضوعی خاص می‌پردازند، موضوع جغرافیا نیز مکان است و مطالعه مکان پدیده‌ها در حیطه علم جغرافیاست. همچنین ایشان به نحو کاملاً مشخصی هدف و محور اصلی مطالعات جغرافیایی را تشریح کرده و بُعد اصلی و ماهیت مطالعات جغرافیایی را به طرز ساده و با بیان روشنی توضیح داده‌اند. بالاخره در صفحه ۵۱ پاراگراف آخر گفته‌اند:

«روش مطالعه جغرافیا همانند سایر علوم، روشی علمی و شامل مراحل زیر است: ۱- شناسایی اولیه پدیده‌های تشکیل دهنده چشم‌انداز از نظر موقعیت مکانی و ویژگیها ۲- کشف روابط موجود در چشم‌انداز و شناسایی فرایندهای حاکم ۳- پیش‌بینی آینده براساس روابط موجود و فرایندهای حاکم ۴- طبقه‌بندی چشم‌اندازها. طبق منابع معتبر و بسیار زیادی که وجود دارد روش علمی^{۱۹} با روش تحقیق^{۲۰} فرق می‌کند. «جان بست» در این باره می‌نویسد:

«هر چند حقیقت آن است که این دو اصطلاح در معانی خود دارای برخی از عناصر مشترک هستند اما تمیز میان این دو به فهم آنها کمک می‌کند. برای روشن شدن این مبحث می‌توان گفت که تحقیق فرایندی رسمی‌تر، سیستماتیک‌تر و عمیق‌تر در اجرای روش تحلیل علمی است. در روش علمی برای حل مسأله ممکن است تعریف مسأله، ساختن فرضیه، مشاهده، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری بطور غیررسمی بکار بسته شود. می‌توان با بکار بردن روش علمی به این نتیجه رسید که چرا اتومبیل روشن نمی‌شود و یا چرا در یک ساختمان خالی از سکنه آتش‌سوزی روی می‌دهد. اما فرایندهای موجود در این موارد ممکن است مانند روش‌های تحقیق سازمان یافته نباشند. تحقیق یک فعالیت سیستماتیک است که به کشف و

پروراندن مجموعه‌ای از دانش سازمان یافته معطوف است. تحقیق را می‌توان به تجزیه و تحلیل و ثبت عینی و سیستماتیک مشاهدات کنترل شده که ممکن است به پروراندن قوانین کلی، اصول یا نظریه‌هایی بیانجامد و به پیش‌بینی و یا احتمالاً به کنترل نهایی رویدادها منتج می‌شود، تعریف کرد^{۲۱}. مطلب قابل بحث در این جا آن است اولاً چنانچه دانشجویان هر جغرافیادانی برای انجام تحقیقات خود بخواهد از چنین روشی تحت عنوان روش علمی استفاده کند کار به کلی گویی و ارایه یک یافته غیر علمی خواهد انجامید و همانطور که گفته شد روش علمی برای حل مشکل آنی کاربرد دارد و نه برای ایجاد دانش نو و یافته علمی جدید.

دیگر آن که در بررسیها و مطالعات جغرافیایی نباید به دانشجویان القاء شود که موضوع اصلی تحقیقات آنها فقط موضوعات مکانی باشند. ما در مطالعات جغرافیایی می‌توانیم موضوعاتی را که کاملاً در ارتباط با موضوعات جغرافیایی است مورد بررسی قرار دهیم، از جمله آموزش جغرافیا در مقاطع مختلف، تئوریا و نظریات جغرافیایی، متودولوژی و روش‌شناسی، مطالعه در زمینه ابزارها و تکنولوژی مدرن، جمع‌آوری اطلاعات جغرافیایی نظیر ابزارهای سنجش از راه دور، سیستمهای اطلاعات جغرافیایی، و مهمتر از همه نقشه‌ها، اطلسها و منابع جغرافیایی.

تا زمانی که مطالعات جغرافیایی را تنها مطالعه چشم‌اندازهای جغرافیایی و تحلیل روابط جغرافیایی مکانی، ناحیه‌ای و یا تحلیلهای اکولوژیکی تعریف کنیم در این صورت محدوده و قلمرو گسترش دانش جغرافیا را محدود نموده‌ایم و بنابراین نمی‌توان برای دانشجویان تعریف کرد که هدف از مطالعات جغرافیایی، چشم‌اندازهای مکانی است. جغرافیا امروز بدون ابزارها، نظریات جدید، تکنیکها و روشهای کمی معنایی ندارد و از طرفی لازم است هر یک از این عوامل برای توسعه جغرافیا مطابق پیشرفتهای روز تکامل یابند. پس ناچاریم که بینشی وسیعتر از این داشته باشیم و موضوعات بسیار متنوع و گسترده را با استفاده از روشهای صحیح مورد مطالعه و بررسی و تحقیق قرار داده و امکان پیشرفت و گسترش منطقی این علم را فراهم نماییم. نکته دیگری که در این قسمت از متن سخنرانی استاد محترم قابل ذکر است این که

مراحلی که ایشان به آنها اشاره کرده‌اند هیچ مطابقتی با مراحل روش تحقیق ندارد. مراحل تحقیق علمی Research Method چنان که استاد محترم به آنها اشاره کرده‌اند همانند سایر علوم می‌باشد اما شامل مراحل زیر است:

- ۱- مشخص کردن مسأله
- ۲- تعیین اهداف تحقیق
- ۳- بازنگری متون
- ۴- پروارندن چارچوب مفهومی و نظری
- ۵- مشخص کردن فرضها یا سوالات تحقیق
- ۶- اذعان محدودیتهای تحقیق
- ۷- تدوین فرضیه‌ها یا سوالات تحقیق
- ۸- تعریف متغیرها / اصطلاحات تحقیق
- ۹- انتخاب طرح تحقیق
- ۱۰- مشخص کردن جامعه و انتخاب نمونه
- ۱۱- اجرای بررسی مقدماتی
- ۱۲- جمع‌آوری داده‌ها
- ۱۳- سازمان‌دهی داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل
- ۱۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها
- ۱۵- تفسیر و تعبیر یافته‌های تحقیق
- ۱۶- ارتباط دادن یافته‌های تحقیق
- ۱۷- پیشنهادات لازم برای تحقیقات بعدی
- ۱۸- انتشار یافته‌های تحقیق^{۲۲}

تحقیقات در همه علوم از روش یاد شده پیروی می‌کنند و نتایج دقیقی از مطالعات خود می‌گیرند. ولی در بررسیهای جغرافیایی علاوه بر موارد فوق چند مورد دیگر را نیز باید به یاد داشت:

- ۱- ماهیت علم جغرافیا که موجب می‌شود تحقیقات جغرافیایی جهت و هدف خاصی داشته باشد.
- ۲- متغیرهایی مورد پژوهش، بطور کلی متناسب با علم جغرافیا بوده و در رشته‌های تخصصی متغیرهای متناسب با آن محدوده تخصصی انتخاب شوند و این متغیرها دارای مقیاس بوده و قابل اندازه‌گیری باشند.

۲۲- رزماری نیز و بادومی، همان منبع، ص ۲۲.

عزت اله نادری، مریم سیف تراقی، همان منبع، ص ۱۹۰-۴۷.

جان بست، همان منبع، ص ۲۶۸-۴۹.

Bruce.Mitchel, op.cit, 16-17.

وندلن دنوبالد بی، مبانی پژوهش در علوم تربیتی، ترجمه جعفر نجفی‌زند، نشر قومس، ۱۳۷۳، ص ۳۴-۳۲.

۳- جامعه و زمینه پژوهشهای جغرافیایی متفاوت می‌باشند.

۴- روشها و آزمونهای خاصی را در مطالعات جغرافیایی باید بکار برد تا این مطالعات از دقت و صحت بیشتری برخوردار باشند.

بنابراین کاربرد جغرافیا را تنها با انجام تحقیقات علمی و در قالب موضوعات منظم و هدفدار و در جهت ایجاد دانش نو می‌توان نشان داد. زیرا همانطور که می‌دانیم دانش و اطلاعات جدید به یقین در جهانی که ما امروز زندگی می‌کنیم کاربرد خواهد داشت. به همین منظور از همه منابع و آثار موجود باید استفاده کرده و سعی کنیم اطلاعات و یافته‌های جدیدتری بر آنها بیفزاییم. در مورد جغرافیای کاربردی هم اکنون طبق آخرین دیدگاههای جغرافیایی عقیده بر این است که هر یک از موضوعات جغرافیایی را در دو شاخه باید مطالعه نمود یعنی همه شاخه‌ها و موضوعات هم از جنبه نظری و تئوریک باید بررسی شوند و هم از جنبه کاربردی. دکتر آدهیکاری در کتاب ارزشمند خود با نام «مبانی نظریات جغرافیایی»، سیر و روند تفکرات جغرافیایی را در دوره‌های مختلف از عصر جغرافیای کلاسیک باستانی و جغرافیای دوره قرون وسطی و دوره رنسانس و پس از آن جغرافیای مدرن در کشورهای آلمان، فرانسه، انگلستان، روسیه و ایالات متحده شرح داده و سپس گرایشهای اخیر در جغرافیا را تحت عنوان انقلاب کمی در جغرافیا مورد بررسی قرار داده و به نظرگاههای سیستمی نیز پرداخته است و در پایان با اشاره به آخرین تحولات موجود در دیدگاههای جغرافیایی به این نکته پرداخته که در حال حاضر دیدگاه حاکم در جغرافیا ترکیب و سنتز موضوعات نظری (شامل جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی) با جغرافیای ناحیه‌ای است. تا چندی پیش در این کشورها بر مطالعات ناحیه‌ای تأکید می‌شده اما در حال حاضر در تحقیقات، قوانین در جغرافیای نظری ساخته می‌شود و ناحیه محل آزمایش قوانین به دست آمده است.^{۲۳}

نویسنده مزبور هم چنین اشاره دارد به این که پس از دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ که اوج دوره کارهای پوزیتیویستهای منطقی (یا همان طرفداران مکتب علم فضایی) که بنیانگذاران انقلاب

کمی در جغرافیا بود، در دهه ۱۹۸۰ مکتب جدیدی با نام اقتصادشناسی کلاسیک جدید^{۲۴} پدید آمد که به کارهای جغرافیدانان مکتب علم فضایی متعرض شد. بحث اساسی این دو گروه این است که طرفداران مکتب علم فضایی بشدت معتقدند که لازم است جغرافیای واحدی براساس روشهای علوم طبیعی بنا نهاده شود اما طرفداران مکتب اقتصادی جدید معتقدند که فلسفه علوم اجتماعی باید فراتر از علوم طبیعی باشد به این معنا که جغرافیا نباید فقط از روشهای علوم طبیعی پیروی کند و این که نباید انسان به عنوان ماشین در نظر گرفته شود اما نکته بسیار جالبی که نویسنده مذکور در پایان کتاب خود به آن اشاره دارد این است که جغرافیای مدرن روی ترکیب و سنتز جغرافیا تأکید دارد و معتقد است که مکتب اقتصادی کلاسیک جدید مقابل مکتب طرفداران علم فضایی قرار ندارد. چنین به نظر می رسد که با پیدا شدن مکتب جدید، شکافی میان شاخه های جغرافیا پدید آمده است اما جغرافیای جدید بر ترکیب این دو تأکید دارد^{۲۵}.

مسئله ای که طرفداران مکتب اقتصادی کلاسیک جدید در مقابل روش طرفداران مکتب علم فضایی به آن اشاره می کنند نظیر ایرادی است که نیکلاس ماکسول^{۲۶} فیلسوف نام آور علم معاصر بر روند فعلی فعالیت های علمی و علوم طبیعی وارد آورده ضمن آن که اشکالات اساسی به علوم طبیعی وارد کرده و بشدت آن را مورد حمله قرار داده است. در مقاله ای تحت عنوان گذر از دانش به حکمت، نوشته آقای لاریجانی به نقل از گفته های ماکسول می خوانیم که:

«در فلسفه باید دوباره به همان نقطه ای برگردیم که برای سقراط بود، یعنی کوشش برای

این که عقل و تعقل را برای توسعه و تکامل حکمت در زندگی بکارگیرد»^{۲۷}.

از پیشنهاداتی که ماکسول در خصوص ایجاد تغییرات در فلسفه علوم و تبدیل آن به فلسفه حکمت می کند، (حکمت به معنی ظرفیت تحقق آنچه در زندگی ارزشمند است از جمله خود

24-Neo - classical economics

25-Adhikari.Sudeepta A, op.cit, 259.

26- Nicholas Maxwell

۲۷-فاضل لاریجانی، «نگرش نو به ماهیت علوم: گذر از دانش به حکمت»، فصلنامه رهیافت، شماره ۹، تابستان

دانش، دانش فهمی، فهم جهان هستی ... یکی این بوده که:

«ما نیازمندیم که تغییری اساسی در کل طبیعت تحقیقات اجتماعی به عمل آوریم. اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و امثال آن علم به معنای علوم تجربی نیستند. وظیفه آنها این است که مسایل حیات را به هم مرتبط سازند و راه‌حلهایی پیشنهاد و آنها را مورد ارزیابی قرار دهند و دیگر آن که به عقیده او رابطه میان تحقیقات اجتماعی و تحقیقات علوم طبیعی باید مورد تجدیدنظری اساسی قرار گیرد. به جای این که علوم طبیعی اصل و اساسی تر شمرده شوند باید جهت کاملاً عکس شود و تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی از این نظر که هدفهای اساسی‌تر را در دنبال کردن مسایل حیات و توسعه حکمت و تعقل مدنظر دارند اصل و اساس محسوب شوند»^{۲۸}.

بنابراین می‌توان از دیدگاههای جدید و مکاتب مختلف در مطالعات جغرافیایی استفاده کرد و طبق روشهای مورد استفاده این مکاتب، تحقیقات کاربردی و سودمندی در جغرافیا انجام داد.

در پایان لازم می‌دانم که مجدداً از برگزارکنندگان سخنرانی و اساتید محترم تشکر و تقدیر نمایم.

منابع و مأخذ

۱. ایبست، جان، روشهای تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن باشا شریفی و نرگس طالقانی، انتشارات رشد، پاییز ۱۳۶۷.
۲. خوانساری، محمد، دوره مختصر منطق صوری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳.
۳. دثوبالد بی، وندلن، مبانی پژوهش در علوم تربیتی، ترجمه جعفر نجفی زند، نشر قومس، ۱۳۷۳.
۴. دولفوس، البویه، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۵. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ماهیت و قلمرو علم جغرافیا (مجموعه سخنرانیها)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران، ۱۳۷۱.
۶. شکویی، حسین، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
۷. شورای پژوهشهای علمی کشور، الویتهای تحقیقاتی کشور، تیرماه ۱۳۷۳.
۸. شورای پژوهشهای علمی کشور، هدایت مراکز تحقیقاتی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی به سوی الویتهای تحقیقاتی کشور، فصلنامه رهیافت، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۳.

- ۹- لاریجانی، فاضل، نگرشی نو به ماهیت علوم، گذر از دانش به حکمت، فصلنامه رهیافت، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۴.
- ۱۰- منصوری، رضا، نقش نهاد دانشگاه در جامعه نوین، رهیافت، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۴.
- ۱۱- نادری، عزت‌اله، سبب نراقی، مریم، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۲- نیز ویادومی، رزماری، پایه‌های تحقیق در پرستاری، ترجمه محسن توکل، سیماترایی، ج ۱، تهران، نشر بشری، ۱۳۷۳.
- ۱۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی ایران، فصلنامه دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵.

14- Adhikari. sudeepta A, *Fundamentals of Geographical Thought*, Chaitan Publishing House & university Road, Allahabad - 2 (India), 1992.

15- Amedo, Daglas & Goledge. Reiald G. *Introduction to scientific Reasoning In Geography* John Wiley & Sons, Inc. 1975.

16- Bruce, Mitchel, *Major Thems In Geographical Research: Geography and Resourse Analysis*, second Edition, Longman, 1989.

17- Wilson. A. G. *Geography and the Environments, system Analytical Methods*, John Wiley & Sons, 1981.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی